

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۶، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۷۲۵ تا ۷۵۰

مطالعه تطبیقی تعیین مسئول و مبنای جبران خسارت در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث مربوط به تأسیسات هسته‌ای در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی

سید محمدمهدی قبولی درافشان*

دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

وحید رضادوست

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

(Email: Vahidrezadoost@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۲۸)

چکیده

تأسیسات هسته‌ای با وجود فواید فراوان برای بشر، مخاطرات سنگینی نیز ایجاد می‌کنند. به همین دلیل مسئله مسئولیت مدنی ناشی از حوادث تأسیسات هسته‌ای اهمیت فراوانی دارد. این جستار به بررسی موضوع مسئول و مبنای جبران خسارات ناشی از حوادث یادشده در اسناد بین‌المللی، حقوق فرانسه و ایران پرداخته است. دستاورد حاصل از پژوهش نشان می‌دهد، کنوانسیون‌های پاریس، وین و دیگر کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مرتبط، نظام حقوقی ویژه‌ای را در خصوص موضوع بحث تنظیم کرده‌اند. در این راستا اسناد بین‌المللی پیش‌گفته، ضمن فاصله گرفتن از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بر مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای تأکید کرده، تکلیف بیمه یا تضمین مالی مناسب را برعهده بهره‌بردار قرار داده‌اند. حقوق فرانسه نیز به تأثیر از کنوانسیون پاریس و اصلاحات و الحاقات آن، از همین روش پیروی کرده است. حقوق ایران در این زمینه مقررات ویژه‌ای ندارد و مسئولیت مدنی حوادث ناشی از تأسیسات هسته‌ای، مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است و در این خصوص می‌توان از قواعدی چون اتلاف، تسبیب، تقصیر و نفی ضرر استفاده کرد. طبیعی است مسئول نیز اصولاً شخص یا اشخاصی هستند که خسارت به ایشان منتسب باشد. شایسته است با توجه به ضرورت‌ها و بایسته‌های ویژه مربوط به انرژی هسته‌ای، قانون‌گذار ایران نیز نظام مطلوبی را در این زمینه پیش‌بینی، و صندوق مالی ویژه‌ای برای جبران خسارت زیان‌دیدگان احتمالی ایجاد نماید.

واژگان کلیدی

اسناد بین‌المللی، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، حقوق ایران، حقوق فرانسه، خسارات هسته‌ای.

مقدمه

امروزه اهمیت فراوان استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بر کسی پوشیده نیست و حق هر کشوری است که بتواند در این مسیر گام بردارد. لیکن بی‌تردید مواد رادیواکتیو از مهم‌ترین موادی است که نسبت به بهداشت یا سلامت انسان، حیوان و محیط زیست ذاتاً خطرناک است. (ر.ک. آیین‌نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ هیئت وزیران). به همین دلیل در کشورهای مختلف از جمله ایران، مقرراتی در زمینه حفاظت در برابر اشعه اتمی وضع شده است تا از آثار زیان‌بار تشعشعات اتمی تا حد امکان پیشگیری شود. اهمیت تأمین ایمنی در برابر خطرهای ناشی از سوانح هسته‌ای در موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه میان دولت‌ها نیز انعکاس یافته است. برای نمونه در بخش بیست‌وهشتم از موافقت‌نامه میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دولت ایران و دولت ممالک متحده آمریکا برای اجرای اقدامات تأمینی (مصوب ۱۳۴۸/۴/۱۹) آمده است: «ب- دولت ایران تضمین می‌نماید که هر نوع حمایت در مورد مسؤلیت در قبال شخص ثالث من جمله هر نوع بیمه یا تأمین مالی در قبال سوانح هسته‌ای که در تأسیسات هسته‌ای تحت قلمرو ایران رخ دهد - به نحوی که این حمایت‌ها در مورد اتباع ایران معمول باشد - در مورد آژانس و بازرسان آژانس حین اجرای وظایف موضوع این موافقت‌نامه نیز مجری گردد». با وجود همه اقدامات ایمنی برای جلوگیری از حوادث زیان‌بار هسته‌ای، احتمال سوانح هسته‌ای با خطرهای بزرگ وجود دارد. حادثه چرنوبیل ۱۹۸۶م، شاهد و مؤید این مدعاست (استوبیر، بائر، پلزر و تونهوزر، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱)؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین مسائل، مسؤلیت مدنی ناشی از حوادث اتمی در قبال زیان‌های وارد بر اشخاص ثالث است. در این راستا، مسئله اساسی این است که آیا همان قواعد عام مسؤلیت مدنی در این زمینه جاری است یا اینکه پیچیدگی، شدت خسارات و اقتضات خاص حوادث اتمی قواعد ویژه‌ای را می‌طلبد. در این میان، مسئله مبنای مسؤلیت مدنی یادشده و مسئول جبران خسارت اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در کشورهای اروپایی که از نظر نظم حقوقی دارای شهرت هستند، از دیرباز نظریه تقصیر به‌عنوان مبنای عام مسؤلیت مدنی پذیرفته شده است (Radetzki, 1999, p. 7). برای نمونه، در فرانسه برگرفته از ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، چنین است که مبنای عام مسؤلیت مدنی تقصیر عامل زیان و مسئول نیز شخص مقصر است. ولی همین قاعده عام با توجه به صنعتی شدن جوامع اروپایی و رونق صنعت بیمه از قرن

نوزدهم به بعد با استثناهای فراوانی روبرو شده است^۱؛ چنان که در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، مقررات ویژه‌ای وضع شده و در سایه اجباری کردن بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری و زمینی، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است، و در مواردی استناد به قوه قاهره نیز برای گریز از مسئولیت کارساز نیست (ر.ک. قبولی درافشان و رضادوست، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰-۹۳).

این جستار در صدد است مسئله مسئول خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای در قبال زیان‌دیدگان - که امروزه در قالب اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار مطرح می‌شود - و نیز مبنای مسئولیت مدنی ناشی از چنین حوادثی را در اسناد بین‌المللی موجود و حقوق فرانسه (به‌عنوان کشوری که تقصیر را به صورت قاعده عام مسئولیت مدنی پذیرفته است) بررسی کرده، دیدگاه حقوق ایران را آشکار کند. با توجه به لزوم شناخت مختصر اسناد بین‌المللی مورد بحث، پیش از ورود به مباحث اصلی به اختصار به این اسناد نیز پرداخته خواهد شد. گفتنی است، قلمرو تحقیق حاضر، ناظر بر میزان خسارت‌های قابل جبران و نیز حوادث مربوط به راکتورهای هسته‌ای وسایل نقلیه دریایی یا هوایی نخواهد بود. طبیعتاً مطالعات تطبیقی می‌تواند زمینه‌ساز وضع قواعد مناسب در نظام حقوقی ایران باشد؛ به‌ویژه اینکه جمهوری اسلامی ایران با تلاش تحسین‌برانگیز دانشمندان خود به توانایی بهره‌گیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای دست یافته است.

اسناد مهم بین‌المللی در خصوص خسارات وارد بر شخص ثالث در حوزه انرژی هسته‌ای

دو کنوانسیون اصلی درباره مسئولیت مدنی در خصوص خسارات وارد بر شخص ثالث در حوزه انرژی هسته‌ای وجود دارد. نخست، کنوانسیون پاریس در زمینه مسئولیت مدنی در زمینه انرژی هسته‌ای مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۰ که در سایه سازمان همکاری اقتصادی اروپا (OECD: Organisation for Economic Co-operation and Development) به نتیجه رسید و در اول آوریل ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا شد و تاکنون سه بار در سال‌های ۱۹۶۴،

۱. ر.ک. ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۴۰-۳۲؛ Mazeauds, 1985, p. 353-362. در خصوص تحولات مسئولیت ناشی از فعل اشیا که به‌شدت از نظریه تقصیر فاصله گرفته است، ر.ک. Bénabent, 1995, p. 300-336.

۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح و بازنگری شده است. هدف این کنوانسیون، هماهنگ‌سازی قوانین ملی کشورهای عضو در خصوص مسئولیت در قبال ضرر و زیان و بیمه هسته‌ای است (Sands, 1988, p. 51). به موجب ماده ۲۱، این کنوانسیون به روی هر کشور عضو «OECD» یا شریک آن به عنوان یک حق، و به روی دیگر کشورها با موافقت اجماعی متعهدین کنوانسیون باز است. این کنوانسیون، بیشتر کشورهای اروپای غربی دارای قدرت هسته‌ای و نیز اسلوانی و ترکیه را پوشش می‌دهد. کنوانسیون پاریس با کنوانسیون تکمیلی بروکسل مصوب ۳۱ ژانویه ۱۹۶۳ تکمیل شد. کنوانسیون اخیر سه بار در سال‌های ۱۹۶۴، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۴ اصلاح و بازنگری شده و هدف طراحان آن، تأمین منابع مالی بیشتر برای جبران خسارات هسته‌ای از راه متعهد کردن دولت‌ها به ایجاد صندوق‌های تکمیلی بین‌المللی بوده است (Sands, 1988, p. 52).

دیگر کنوانسیون اصلی که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA: International Atomic Energy Agency) به مذاکره گذاشته و پذیرفته شده، کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی در خصوص حادثه هسته‌ای مصوب ۲۱ می ۱۹۶۳ (موسوم به کنوانسیون وین) است (Lamm, 2002, p. 10). مقررات این کنوانسیون تقریباً تکرار مقررات کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰ م است. این کنوانسیون تا نوامبر ۱۹۷۷، یعنی تا زمان تسلیم پنج سند مصوب از سوی دولت‌ها برای اجرایی شدن آن، لازم‌الاجرا نشد. اهمیت کنوانسیون وین برای اروپا در این است که پس از درهم شکستن بلوک شوروی، این کنوانسیون در اوایل دهه ۱۹۹۰ از سوی تعدادی از کشورهای اروپای شرقی دارای رآکتورهای عصر شوروی (از جمله بلغارستان، جمهوری چک، استونی، هلند، لاتویا، لیتوانی، لهستان، رومانی و اسلواکی) تصویب شد. این کنوانسیون را اوکراین (۱۹۹۶)، بلاروس (۱۹۹۸) و فدراسیون روسیه (۲۰۰۵) هم تصویب کرده‌اند. گفتنی است که کنوانسیون‌های وین و پاریس از نظر قلمرو جغرافیایی متفاوت بودند و اگر حادثه‌ای هسته‌ای در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون پاریس رخ می‌داد و موجب زیان در یک کشور عضو کنوانسیون وین می‌شد، زیان دیده نمی‌توانست از امکانات پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون پاریس برای جبران زیان وارده به خود استفاده کند (Bushkesi, 2006, p. 10). برای رفع مشکل، در سال ۱۹۸۸ م آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آژانس اتمی سازمان همکاری توسعه اروپا، پروتکل مشترکی (Joint Protocol Relating to applicability of the Vienna Convention and Paris convention) را برای مرتبط

کردن مقررات دو کنوانسیون به یکدیگر تدوین و برای امضا و تصویب دولت‌ها گشودند. این پروتکل در سال ۱۹۹۲م لازم‌الاجرا شد و تا ۳۰ آوریل ۲۰۱۴، ۲۸ عضو و ۲۲ امضاکننده داشته است (http://www.iaea.org/Publications/Documents/Conventions/jointprot_status.pdf).

هم‌زمان با فعالیت آژانس انرژی اتمی (NEA: Nuclear Energy Agency) در خصوص کنوانسیون پاریس، فاجعه چرنوبیل به‌عنوان اختطاری برای آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (IAEA) برای نیاز به گسترش کنوانسیون وین که در آن زمان به‌نسبت منفعل بود، عمل کرد و موجب پذیرش پروتکل اصلاح کنوانسیون وین و کنوانسیون تکمیلی جبران خسارات هسته‌ای (Convention on Supplementary Compensation of Nuclear Damage) با هم در سپتامبر ۱۹۹۷ شد. هر کشوری می‌تواند به کنوانسیون اخیر ملحق شود؛ فارغ از اینکه عضو یک کنوانسیون اصلی هسته‌ای باشد یا نباشد. این سند، دولت‌های عضو را به ایجاد صندوق‌های بین‌المللی برای جبران خسارات هسته‌ای در مواردی که بیمه‌های هسته‌ای توان جبران تمامی خسارات را ندارند، ملزم کرده است. این کنوانسیون در ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است (http://www.iaea.org/Publications/Documents/Conventions/supcomp_status.pdf).

بررسی اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار (مسئولیت انحصاری بهره‌بردار)^۱

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق حوادث هسته‌ای که در کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌چشم می‌خورد، اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار است. بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای بر اساس ماده یک کنوانسیون پاریس و وین، شخصی است که به‌وسیله دولت به‌عنوان بهره‌بردار یک تأسیسات هسته‌ای تعیین یا شناخته شده است. در این قسمت، ضمن تبیین مفهوم، ویژگی‌ها و فواید اصل یادشده، به توصیف جایگاه این اصل در اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه پرداخته‌ایم، سپس دیدگاه حقوق ایران را مطالعه خواهیم کرد.

۱. «مسئولیت انحصاری» مفهومی است که به‌طور اختصاصی برای فعالیت‌های هسته‌ای وضع شده است (Pelzer, 1999, p. 427).

۱. مفهوم و فواید

بهموجب اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار، فقط بهره‌بردار تأسیسات اتمی مسئول خسارات اتمی است. هیچ شخص دیگری مسئول نبوده، بهره‌بردار نیز تحت سایر مقررات (حقوق مسئولیت مدنی) مسئول نیست. بنابراین حتی اگر عاملان دیگری موجب زیان باشند نیز همه دعای علیه بهره‌بردار، به‌عنوان تنها مسئول رسمی، اقامه می‌شود (Fiore, 2008, p. 8). این نوع جهت‌دهی مسئولیت در تمام کشورهای که قانون خاصی برای امور اتمی دارند، جز استرالیا و امریکا، پذیرفته شده است. کنوانسیون‌های بین‌المللی جهت‌دهی مسئولیت را با ابزارهای حقوقی متفاوتی حمایت می‌کنند. بهره‌بردار در خصوص حمل و نقل مواد اتمی به داخل یا خارج تأسیسات اتمی نیز مسئول است؛ مگر اینکه در یک دادرسی خاص ثابت کند حمل‌کننده نسبت به خسارات ناشی از چنین حمل و نقلی مسئول نبوده است. به هرصورت، مسئولیت حمل نیز به سوی بهره‌بردار جهت‌دهی می‌شود (Stoiber [et al.], 2003, p. 112). اصل جهت‌دهی مسئولیت دو قسمت دارد: قسمت نخست، اصولاً زیان‌دیده تنها می‌تواند علیه بهره‌بردار اقامه دعوا کند؛ قسمت دوم اینکه اصولاً پس از جبران خسارت از سوی بهره‌بردار، وی نمی‌تواند به مسبب اصلی زیان رجوع کند (Ollier, 1983, p. 59-60). البته هر دو قسمت استثناهایی دارد که پس از بررسی ایرادها و فواید جهت‌دهی مسئولیت، بیان می‌شود.

از جمله ایرادهایی که به قواعد پیش‌گفته وارد شده، این است که این دو قاعده نه‌تنها خلاف حقوق مسئولیت مدنی سنتی هستند، بلکه با انصاف و عدالت نیز ناسازگارند. پرسش مطرح‌شده این است که چرا زیان‌دیده و بهره‌بردار، هریک، نمی‌توانند به‌طور مستقیم به واردکننده اصلی زیان مراجعه کنند. در پاسخ گفته شده که این قواعد بر ملاحظات اقتصادی و به‌ویژه خودداری از بیمه دوگانه مبتنی است؛ چراکه اگر چنین مکانیزمی فراهم نمی‌شد، هر شخص خود را خواننده بالقوه چنین حوادثی می‌دید و خویشتن را بیمه می‌کرد و به این ترتیب در فرایند جبران خسارت مشکلات زیادی به‌وجود می‌آمد. روش یادشده نه‌تنها از نظر بیمه موجب تسهیل می‌شود، بلکه از لحاظ حراست از عموم قوی‌تر و با منافع عمومی اقتصاد ملی سازگارتر است؛ دیگر اینکه برای توسعه صنعت هسته‌ای نیز مناسب‌تر است (Ollier, 1983, p. 59-60). جهت‌دهی مسئولیت به سوی بهره‌بردار، برای زیان‌دیدگان نیز مفید است، زیرا شناسایی و تعقیب

تمام خواندگانی که بالقوه مسئول حادثه هستند و به دست آوردن امارات کافی به منظور اثبات ورود خسارت، امری دشوار است. جهت‌دهی مسئولیت موجب می‌شود زیان‌دیدگان از دعاوی بی‌نتیجه و هزینه‌های رسیدگی و دعاوی متقابل احتراز جویند. این امر برای مالکان و تأمین‌کنندگان کالاها، خدمات و فناوری (که بهره‌بردار شمرده نمی‌شوند) نیز مفید است، زیرا نسبت به طرح دفاعیات پیچیده و دعاوی پرهزینه یا پرداخت حق بیمه‌های سنگین بیمه شخص ثالث، اثر صرفه‌جویانه دارد (Schwartz, 2010, p. 311). همین منافع، کم‌وبیش برای سایر اشخاص دخیل در صنعت هسته‌ای قابل تصور است. البته در انتقاد از این رویکرد گفته شده که این روش ناعادلانه است، زیرا واردکنندگان اصلی خسارت را از مصونیتی بی‌دلیل برخوردار می‌کند. این رویکرد تبعیض‌آمیز نیز می‌باشد، چراکه زیان‌دیده مبلغی را یک‌جا به‌عنوان جبران خسارت دریافت می‌کند و از جبران خسارات معنوی محروم می‌شود. به‌علاوه، این روش از منظر سیاست حقوقی نیز خطرناک است، زیرا مشوق پیشگیری از خسارت نیست (Ollier, 1983, p. 60).

به همین دلیل، برخی سیستم دیگری را پیشنهاد و ادعا نموده‌اند که بر اساس آن می‌توان بین نظم حقوقی و نیازهای جامعه سازش ایجاد کرد و آن سیستم جهت‌دهی مالی یا اقتصادی (System of Financial or Economic Channelling) است. در تبیین این شیوه گفته شده که جهت‌دهی حقوقی مسئولیت به معنای جهت‌دهی تمام مسئولیت به سوی بهره‌بردار اتمی است؛ حال آنکه جهت‌دهی اقتصادی مسئولیت به این معناست که هر نهادی ممکن است قانوناً مسئول جبران خسارت قلمداد شود، اما عواقب اقتصادی آن مسئولیت به سوی بهره‌بردار جهت‌دهی می‌شود (Schwartz, 2010, p. 311). به این ترتیب برخلاف ادعای برخی (Boulanekov, 1999, p. 166) میان تمرکز حقوقی و تمرکز اقتصادی تفاوت‌های عملی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها این است که در تمرکز حقوقی، بهره‌بردار نمی‌تواند به عاملان واقعی خسارت مراجعه کند، ولی در تمرکز اقتصادی، این امکان وجود دارد. تمرکز اقتصادی را می‌توان صورت تغییرشکل داده تمرکز حقوقی دانست. تمرکز اقتصادی در کشورهایی چون آمریکا و استرالیا پذیرفته شده است. آلمان نیز ابتدا جهت‌دهی اقتصادی را پذیرفت، اما با پذیرش کنوانسیون پاریس در سال ۱۹۷۵م، جهت‌دهی حقوقی را جایگزین آن کرد (Pelzer, 1999, p. 423). در حال باید توجه داشت از سویی جهت‌دهی مسئولیت بر بیمه

سلامت عمومی، تأمین اجتماعی، جبران خسارت کارگران یا دیگر نظام‌های مربوط به بیماری‌های شغلی پیش‌بینی شده در نظام‌های حقوقی ملی، اثر منفی ندارد، بلکه چنانچه بر اساس موارد یادشده از زیان‌دیده جبران خسارت شود یا وی تحت مراقبت قرار گیرد، نهادی که در این زمینه هزینه کرده، در موارد خاص و مشخص حق مراجعه به بهره‌بردار را دارد (Schwartz, 2010, p. 311). همچنین حق اقامه مستقیم دعوا علیه بیمه‌گر یا دیگر تضمین‌دهندگان مالی بهره‌بردار در صورت اجازه حقوق داخلی محفوظ است (Tromans, 2010, p. 172). دیگر آنکه در کشورها و اسناد بین‌المللی که تمرکز حقوقی پذیرفته شده است، اجرای آن استثناهایی هم دارد.

۲. جایگاه اصل در اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه

الف) اسناد بین‌المللی

هر دو کنوانسیون وین و پاریس درباره مسئولیت انحصاری بهره‌بردار مقرراتی دارند که به دلیل یکسان بودن آن، تنها کنوانسیون اخیر بررسی می‌شود. جهت‌دهی مسئولیت در ماده ۶ کنوانسیون پاریس مقرر شده که به موجب آن، حق جبران خسارت برای خسارات ناشی از یک حادثه هسته‌ای تنها علیه بهره‌بردار مسئول قابل اعمال است. اگر حقوق داخلی اجازه دهد، حق اقامه دعوی مستقیم علیه بیمه‌گر یا دیگر تضمین‌دهندگان مالی بهره‌بردار محفوظ است. در خصوص استثناهای مسئولیت، باید گفت در زمینه خسارات وارد به خود تأسیسات و اموال واقع در آن، بهره‌بردار مسئول نیست (Article 3(a)(ii)(1)). از سوی دیگر، بهره‌بردار در فرضی که شخصی به‌طور قانونی مسئولیت تصدی راکتورهای مورد استفاده در حمل و نقل را به‌عهده داشته باشد، مسئول نیست (Article 6(c)(i)(1)). دیگر اینکه اصل تمرکز نسبت به مسئولیت دولت در مواردی که خود دولت بهره‌بردار شمرده می‌شود، در خصوص حمل و نقل و قواعد حقوق بین‌الملل عمومی بی‌تأثیر است (Annex II of Paris Convention).

درباره امکان مراجعه بهره‌بردار به عاملان اصلی خسارت هسته‌ای نیز بر اساس ماده ۶، بهره‌بردار تنها در شرایط محدودی حق مراجعه به شخص ثالث را دارد. در این راستا بهره‌بردار در فرضی که واردکننده واقعی خسارت عمداً موجب ورود زیان شده باشد، می‌تواند به وی مراجعه کند (Article 6(f)(i)). دیگر اینکه در صورت وجود قرارداد در

خصوص مراجعه بهره‌بردار به واردکننده واقعی زیان، بهره‌بردار امکان رجوع به وی را دارد (Article 6(f)(ii)). گفتنی است، نبود امکان مراجعه بهره‌بردار به عاملان اصلی، از جمله پیمانکاران، تأمین‌کنندگان و مشاوران در صنعت هسته‌ای نیز این‌گونه مورد انتقاد قرار گرفته است که این امر موجب می‌شود اشخاص یادشده انگیزه کافی را برای انجام وظایف خود به بهترین نحو نداشته باشند (Birnie [et al], 2009, p. 526).

ب) حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، قاعده کلی، مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای در قبال خسارات وارد در اثر حادثه هسته‌ای به اشخاص و اموال است (OCDE, 2011, p.40). مواد متعددی از قانون محیط زیست فرانسه ناظر به مسئولیت بهره‌بردار است (مواد L597-31 و L597-7 قانون محیط زیست). این مسئولیت، نوعی و بدون تقصیر بوده و زیان‌دیده از اثبات مسئولیت بهره‌بردار معاف است (OCDE, 2011, p.40). البته در کنار مسئولیت بهره‌بردار، تکلیف تحصیل بیمه یا تضمین مالی مناسب به اندازه مسئولیتی که در قبال حادثه هسته‌ای برعهده وی است، مورد حکم قرار گرفته (مواد L597-31 و L597-7 قانون محیط زیست) و برای تخلف از آن، در دو ماده L597-43 و L597-20 که دارای احکام یکسانی است، مجازات پنج‌سال زندان و صدوپنجاه هزار یورو یا یکی از دو مجازات پیش‌گفته تعیین شده است. امکان طرح دعوی مستقیم از سوی زیان‌دیده علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده مالی مسئولیت بهره‌بردار نیز از سوی قانون‌گذار فرانسه تصریح شده است (L597-16 و L597-39 قانون محیط زیست). برای اقامه دعوی مسئولیت علیه بهره‌بردار و به تبع آن علیه بیمه‌گر یا تضمین‌کننده مالی مسئولیت، مرور زمان نیز پیش‌بینی شده که مدت آن سه سال و آغاز آن از زمانی است که زیان‌دیده از زیان و مسئول آن آگاه شد یا به‌طور معقول می‌بایست نسبت به آن آگاه می‌شد (مواد L597-17 و L597-40 قانون محیط زیست). البته بر اساس بند «الف» ماده ۸ کنوانسیون وین که در مواد L597-40 و L597-17 و 597-17 قانون محیط زیست منعکس شده است، گذشت ده سال از حادثه هسته‌ای، طرح دعوی علیه مسئولان پیش‌گفته را غیرممکن می‌سازد.

حال پرسش این است که آیا با توجه به مرور زمان پیش‌گفته، جبران خسارت زیان‌دیدگان حوادث هسته‌ای منتفی است؟ در پاسخ باید گفت، قانون‌گذار فرانسه در

فرضی که خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای پس از ده سال از تاریخ حادثه آشکار شود و علت اقامه نشدن دعوی جبران خسارت علیه بهره‌بردار نیز همین بوده باشد، از مسئولیت دولت فرانسه با شرایطی سخن گفته است. به موجب مواد L597-17 و L597-40 قانون پیش‌گفته که دارای احکامی مشابه است، چنانچه حادثه هسته‌ای در قلمرو سرزمینی فرانسه رخ داده و بر اساس کنوانسیون پاریس یک دادگاه فرانسوی صلاحیت رسیدگی داشته باشد، امکان طرح دعوی علیه دولت از سوی زیان‌دیده حداکثر ظرف مدت پنج سال پس از مرور زمان ده‌ساله وجود دارد. بنابراین از این نظر، دولت نیز جزء مسئولان جبران خسارت‌های هسته‌ای قرار می‌گیرد.

پرسش دیگر این است که در صورت جبران خسارت زیان‌دیده از سوی بهره‌بردار یا بیمه‌گر و تضمین‌کننده مسئولیت بهره‌بردار، آیا امکان رجوع به عامل اصلی زیان وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت با توجه به پذیرش کنوانسیون پاریس به موجب مواد L597-1 و L597-26 قانون محیط زیست، حق رجوع بهره‌بردار همان مواردی است که در این کنوانسیون آمده است. بنابراین همان‌گونه که بند «f» ماده ۶ کنوانسیون پاریس مقرر کرده، در صورتی که خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل شخصی باشد که قصد ورود خسارت داشته، رجوع بهره‌بردار به شخص حقیقی یادشده ممکن است؛ همچنان که در فرض پیش‌بینی حق رجوع در قرارداد میان بهره‌بردار و عامل اصلی زیان، حق رجوع با شرایط قراردادی وجود دارد. در خصوص حق رجوع بیمه‌گر و یا تضمین‌کننده مسئولیت بهره‌بردار و حتی حق رجوع دولت در فرضی که مسئول پرداخت خسارت بوده، مواد L597-16 و L597-39 قانون محیط زیست به‌صراحت، حق رجوع به عامل اصلی زیان را در موارد پذیرفته‌شده برای بهره‌بردار، در نظر گرفته است.

۳. حقوق ایران

در حقوق ایران در زمینه مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای، قواعد مختلفی قابل استفاده است. بر اساس قاعده اتلاف و تسبیب، شخصی که حادثه هسته‌ای منتسب به اوست، مسئول است. به موجب قاعده لاضرر نیز مسئول نبودن عامل زیان حکمی ضرری به‌شمار می‌آید. طبیعی است اگر شخصی که در حادثه نقش نداشته، مسئول به‌شمار آید، این نیز حکمی ضرری است. استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی هم صرفاً در مسئول دانستن شخص مقصر کارساز است و مسئولیت انحصاری بهره‌بردار از آن

استنباط نمی‌شود. بنابراین بر اساس هیچ‌یک از قواعد یادشده، اصل تمرکز مسئولیت در بهره‌بردار و مسئولیت انحصاری وی قابل استنباط نیست. مقررات ویژه‌ای نیز در این زمینه مشاهده نمی‌شود. در واقع در حقوق ایران هر شخصی که حادثه هسته‌ای به‌طور جزئی یا کلی منتسب به وی شود، قابل تعقیب است. البته مناسب است قانون‌گذار ایران نیز با توجه به پیچیدگی بار اثبات دعوی در چنین حوادثی، مقرراتی را برای حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده وضع کند. وضع مقررات حمایتی نیز فقط در چارچوب حمایت‌های دولتی و صنعت بیمه و مانند آن امکان‌پذیر است.

حال با توجه به اینکه در ایران، بهره‌برداری از تأسیسات در اختیار و انحصار دولت است و بخش خصوصی در این زمینه وارد نشده، پرسش این است که آیا در صورت رخ دادن حادثه هسته‌ای، می‌توان از مسئولیت دولت سخن گفت؟ این پرسش از آنجا ناشی می‌شود که بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ش «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به‌عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود». بر اساس این ماده، چنانچه خسارت‌ها مستند به عمل کارمندان دولت و مؤسسات وابسته به آن باشد، خود کارمند مسئول است. طبیعی است که این حکم نمی‌تواند از قربانیان حوادث هسته‌ای حمایت کند و از این حیث قابل انتقاد است؛ چراکه خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای به‌حدی از نظر کمیت و کیفیت گسترده‌اند که جبران آن عموماً در توان اشخاص حقیقی نیست. البته برخی حقوق‌دانان (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۲؛ بهرامی‌احمدی، ۱۳۹۱، ص ۵۰۲؛ بهرامی‌احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲) برای کاستن از قلمرو ماده ۱۱، آن را تفسیر محدود کرده و ناظر به مواردی دانسته‌اند که خسارت، ناشی از تقصیر کارمند به معنای خاص باشد. مقصود از کارمند به معنای خاص، شخصی است که مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری یا قوانین استخدامی خاص است، نه شخصی که مشمول قانون کار بوده، عنوان کارگر بر وی صادق است. بنابراین در فرضی که مستخدم دولت کارگر است،

موضوع مشمول ماده ۱۱ نبوده، مشمول ماده ۱۲ آن قانون است. به موجب ماده ۱۲ «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود. کارفرما می‌تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید». هرچند استناد به ماده ۱۲، امکان مسئول دانستن دولت را افزایش می‌دهد، ولی در خصوص حوادث هسته‌ای کافی نیست.

راهکار دیگر برای توسعه مسئولیت دولت بر اساس ماده ۱۱ پیش‌گفته، این است که از مفهوم نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات یادشده مندرج در این ماده، تفسیر موسع شود و چنانچه حادثه ناشی از نقص تأسیسات هسته‌ای باشد، از مسئولیت دولت سخن به میان آید. لیکن این امر نیز با این اشکال روبرو است که امور هسته‌ای در ایران از موارد اعمال حاکمیت است و بر اساس قسمت اخیر ماده ۱۱ پیش‌گفته، دولت مجبور به جبران خسارت نیست. در هر حال، این فقره از ماده ۱۱ قابل انتقاد است و معلوم نیست چرا اعمال حاکمیت موجب معافیت از مسئولیت است. به تعبیر برخی از اندیشمندان فقهی (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۷) در زمینه مسئولیت‌های مدنی، ملاک ضمان، ایجاد موجب ضمان یا تسبیب در خصوص آن است و این دو درباره دولت نیز حتی در فرض اعمال حاکمیت صادق است. به اعتقاد این اندیشمندان، نمی‌توان از قواعدی همچون امین بودن دولت و اینکه امین ضامن نیست برای نفی مسئولیت دولت بهره برد، زیرا قاعده امانت نمی‌تواند ناقض قاعده کلی «کلکم مسؤول عن رعیتة» باشد. برخی (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱، ص ۵۰۷-۵۰۴) نیز با استناد به قاعده لاضرر و نیز اصول ۴۰ و ۱۷۱ قانون اساسی و استدلال‌هایی دیگر، به نقد ماده ۱۱ پرداخته‌اند. به باور وی، از سویی به موجب قاعده لاضرر، در اسلام حکم ضرری وجود ندارد و اگر شخصی به دیگری ضرر بزند، ملزم به جبران است. این حکم در خصوص ورود ضرر به وسیله دولت اسلامی به طریق اولی جاری است؛ به‌ویژه اینکه قاعده لاضرر قاعده‌ای امتنانی است و همین امر مقتضی جبران همه ضررهاست. از سوی دیگر، بر اساس اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد و در این اصل، دولت مستثنا نشده است. به علاوه، با وجود اینکه قضاوت از

بارزترین اعمال حاکمیتی دولت است، اصل ۱۷۱ قانون اساسی^۱ دولت را حتی مسئول جبران خسارتی دانسته است که در اثر اشتباه قاضی بر افراد وارد می‌آید. توجه به این نکته شایسته است که در فقه اسلامی بر پاسداری از جان و مال مردم تأکید فراوان شده است؛ به‌گونه‌ای که در مواردی که مسلمانی به‌قتل برسد و قاتل مشخص نشود، برای جلوگیری از هدر رفتن خون مسلمان، دیه برعهده بیت‌المال است و دولت اسلامی در این زمینه مسئولیت دارد (برای نمونه ر.ک. موسوی خویی، ج ۲، ۱۴۲۲، ص ۱۴۴-۱۴۲). بنابراین بایسته است با توجه به ضرورت‌های اجتماعی، طرحی نو در انداخت و شایسته است قانون‌گذار ایران تمهیدات و مقررات حمایتی مناسب برای حمایت از قربانیان حوادث هسته‌ای احتمالی را تدوین نماید و با تدبیری شایسته، حتی در فرضی که حادثه هسته‌ای ریشه در حوادث طبیعی داشته باشد، تضمین‌های مناسب برای جبران خسارت زیان‌دیدگان را فراهم سازد.

مبنای مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای

برای بررسی مبنای مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، نخست این موضوع در عرصه بین‌المللی و حقوق فرانسه، سپس در حوزه حقوق ایران مطالعه می‌شود.

۱. اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه

برخی کشورها، مسبوق بر موازین بین‌المللی، قوانین خاصی در خصوص مسئولیت ناشی از خسارات هسته‌ای وضع کرده‌اند. از جمله آن‌ها، قانون پرایس اندرسون (Price-Anderson Act) ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹۵۷م، قانون انرژی اتمی (Atomic Energy Act) آلمان مصوب ۱۹۵۹م، قانون فدراسیون سوئیس در زمینه بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز و حفاظت نسبت به مواد پرتوزا مصوب ۱۹۵۹م (Swiss Federal Law on the Exploitation of Nuclear Energy for Peaceful)

۱. اصل ۱۷۱: هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و درغیر این‌صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود، و درهرحال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

مصوب ۱۹۵۹م می‌باشد (Dow, 1989, p. 99). از سال ۱۹۶۰م، تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در قوانین بسیاری از کشورهای دارای فناوری هسته‌ای تأثیر گذاشته است. بنابراین باتوجه به اهمیت اسناد یادشده، نخست مبنای مسئولیت در آن‌ها بررسی شده، سپس نظام حقوقی فرانسه مطالعه خواهد شد.

الف) اسناد بین‌المللی

در هیچ ماده‌ای از کنوانسیون پاریس به لزوم تقصیر برای مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای اشاره نشده، بلکه بر اساس ماده ۳ این کنوانسیون، بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای جز در شرایط خاص، مسئول همه خسارت‌های وارد بر اشخاص و تمام خسارت‌های وارد بر اموال است؛ مشروط بر اینکه این خسارت‌ها ناشی از حوادث هسته‌ای مربوط به سوخت‌های هسته‌ای، محصولات یا پسماندهای رادیواکتیو نگهداری شده در این تأسیسات، یا مواد هسته‌ای به‌دست آمده از این تأسیسات باشد. مسئولیت عینی بهره‌بردار در ماده ۴ کنوانسیون نیز در فرض حمل و نقل مواد هسته‌ای مطرح شده است. به‌موجب بند «الف» ماده ۴، بهره‌بردار یک تأسیسات هسته‌ای مسئول هر خسارتی است که ثابت شود منتسب به حادثه هسته‌ای است که خارج از این تأسیسات رخ داده و در عین حال مربوط به مواد هسته‌ای حمل‌شده‌ای است که مبدأ آن تأسیسات هسته‌ای یادشده باشد. البته این مسئولیت تا قبل از زمانی است که مسئولیت مواد هسته‌ای پیش‌گفته برعهده بهره‌بردار دیگری قرار گرفته باشد. افزون‌بر فاصله گرفتن کنوانسیون پاریس از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، ماده ۹ این کنوانسیون فقط در موارد خاصی بهره‌بردار را از مسئولیت معاف دانسته است. به‌موجب این ماده «جز در صورت مقرر مخالف توسط قانون‌گذاری ملی، اگر حادثه هسته‌ای ناشی از درگیری مسلحانه، حمله، جنگ داخلی، شورش، بلایای طبیعی با ویژگی استثنایی باشد، بهره‌بردار، مسئول خسارات ناشی از حادثه هسته‌ای نیست». گفتنی است، در ماده ۱۰ کنوانسیون پاریس، هر بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای مکلف به تحصیل بیمه یا تضمین مالی دیگری مطابق با نوع و شرایط معین از سوی قوای عمومی ذی‌صلاح، برای رویارویی با مسئولیت‌های پیش‌بینی شده در این کنوانسیون است. آنچه بیان شد مربوط به کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰م است. ولی باید توجه داشت در

سال‌های ۱۹۶۴ و ۱۹۸۲ و... کنوانسیون پاریس دستخوش تحولاتی شده و مقررات آن در راستای حمایت از قربانیان حوادث هسته‌ای تقویت گردیده است؛ به‌گونه‌ای که از سویی بر خسارت‌های قابل جبران افزوده شده و از سوی دیگر، مصادیق معافیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای کاهش یافته است. در واقع امروزه بر اساس اصلاحاتی که در ماده ۹ کنوانسیون رخ داده، بلایای طبیعی از مصادیق معافیت بهره‌بردار به‌شمار نیامده است و اگر قوه قاهره و آفات طبیعی موجب حادثه هسته‌ای گردد، بهره‌بردار که تأسیسات وی در اثر قوه قاهره دچار آسیب شده، در برابر زیان‌دیدگان مسئول است. بنابراین کنوانسیون و اصلاحات آن ضمن فاصله گرفتن از نظریه سنتی تقصیر، در راستای تحول عینی‌سازی و جمعی‌سازی مسئولیت گام برداشته است.

به‌موجب بند یک ماده ۲ کنوانسیون وین نیز بهره‌بردار نه‌تنها مسئول هر خسارت هسته‌ای است که ثابت شود در تأسیسات هسته‌ای وی رخ داده، بلکه مسئول حادثه هسته‌ای مربوط به ماده هسته‌ای که از تأسیسات یادشده نشئت گرفته و هنوز مسئولیت مربوط به آن به دیگری منتقل نشده نیز به‌شمار آمده است. حتی در مواردی که مواد هسته‌ای از تأسیسات دیگری برای بهره‌بردار ارسال شده، چنانچه بهره‌بردار مسئولیت مواد هسته‌ای مربوط به تأسیسات هسته‌ای دیگر را برعهده گرفته باشد، مسئول حوادث ناشی از مواد یادشده هم شناخته می‌شود. جالب توجه اینکه نه‌تنها در این ماده هیچ اشاره‌ای به تقصیر بهره‌بردار نشده، بلکه در بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون، تصریح شده که «بر اساس این کنوانسیون، بهره‌بردار، به صورت نوعی مسئول هر خسارت هسته‌ای است». البته از سویی به‌موجب بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون، تقصیر عمدی یا سنگین زیان‌دیده در صورت پذیرش نظام حقوقی داخلی موجب معافیت جزئی یا کلی بهره‌بردار از جبران خسارت زیان‌دیده می‌شود. از سوی دیگر، به‌موجب بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون، خسارات هسته‌ای ناشی از حادثه هسته‌ای که به‌طور مستقیم از درگیری مسلحانه، حمله، جنگ داخلی، شورش، بلایای طبیعی با ویژگی استثنایی ناشی شده باشد، برعهده بهره‌بردار نیست. با توجه به مطالب پیش‌گفته، برخی (Schwartz, 2010, p. 310) رویکرد کنوانسیون‌های پاریس و وین را تغییر جهت مبنایی بزرگی نسبت به اصول عام مسئولیت مدنی دانسته‌اند؛ چراکه بر اساس اصول عام، خواننده، تنها زمانی مسئول

خسارات وارده است که ثابت شود وی متعهد به مراقبت بوده، ولی با غفلت یا فعل یا ترک فعل عمدی، تعهد خود را نقض کرده است.

اکنون پرسش این است که مسئولیت بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای، محض است یا مطلق؟ پیش از پاسخگویی به این پرسش، باید در خصوص مسئولیت محض (Strict Liability) و مسئولیت مطلق (Absolute Liability) گفت، گاهی دو اصطلاح یادشده به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند (ر.ک. استوبیر، بائر، پلزر و تونهوزر، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸) که چندان دقیق نیست؛ زیرا این دو، با وجود شباهت‌های بسیار، تفاوت‌هایی نیز دارند. در مسئولیت مطلق، ورود خسارت تنها شرط لازم برای مسئول شناختن خواننده است و احراز رابطه سببیت میان فعل او و ورود زیان نیز لازم نیست. بنابراین این نوع مسئولیت را می‌توان شدیدترین نوع مسئولیت دانست (بادینی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۰). درمقابل، تقریباً در تمام مصادیق مسئولیت محض مستثنیات و دفاعیات و به دیگر سخن، راه‌هایی برای فرار از مسئولیت وجود دارد که مسئول شناختن شخص در آن موارد به‌سختی قابل توجیه است (Harpwood, 2009, p. 11).^۱ درواقع، مسئولیت مطلق، آخرین درجه سختگیری و نشانه‌رهایی از هرگونه قیدی است؛ درحالی که مسئولیت محض، در مصادق‌هایی به کار می‌رود که برای مسئول عذرهای دفاعی کم‌وبیش وجود دارد و مسئولیت مطلق نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۶۱).

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، در تحلیل نهایی باید مسئولیت بهره‌بردار را محض دانست؛ زیرا هرچند قوه قاهره اصولاً رافع مسئولیت یادشده نیست، اما مواردی وجود دارد که با اثبات آن‌ها، بهره‌بردار از مسئولیت معاف است و این یعنی مسئولیت مطلق نیست. بنابراین متن انگلیسی مواردی چون پاراگراف ۱۴ شرح اهداف کنوانسیون پاریس (The Exposé des Motifs of the Paris Convention)، ماده ۴ کنوانسیون وین و ماده ۳-۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۹۷م که برای این مسئولیت از عبارت «مسئولیت مطلق» استفاده شده است، دقیق نیست. البته در متن فرانسوی مقررات یادشده، به‌درستی از مسئولیت نوعی^۲ (بدون تقصیر) نام برده شده است.

۱. برای دیدن مهم‌ترین مصادیق فرار از مسئولیت در مسئولیت محض در حقوق انگلیس ر.ک. Consumer Protection Act 1987 (Harpwood, 2009, pp. 347-349; Rylands v Fletcher, *Ibid*, p. 276-277)

۲. در متن فرانسوی ماده ۴ کنوانسیون وین و بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۹۷م آمده است:

ب) حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، نخست با تصویب دو قانون در ۱۲ نوامبر ۱۹۶۵، نظام ویژه‌ای در زمینه مسئولیت بهره‌برداران تأسیسات هسته‌ای و ناوهای هسته‌ای مقرر شد (Mazeauds, 1985, pp. 355 et 610)؛ پس از آن، قانون‌گذار فرانسه مقررات کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰م و نیز کنوانسیون تکمیلی بروکسل ۱۹۶۳م را به‌موجب قانونی با عنوان قانون راجع به مسئولیت مدنی در زمینه انرژی هسته‌ای در سال ۱۹۶۸م (Loi n° 68-943 du 30 octobre 1968 relative à la responsabilité civile dans le domaine de l'énergie nucléaire) در نظم حقوقی خود وارد کرد و در سال ۱۹۹۰م در آن تغییراتی داده، درنهایت به‌موجب فرمان ۵ ژانویه ۲۰۱۲ (Ordonnance n°2012-6 du 5 janvier 2012)، مقررات یادشده در کتاب‌های نخست و پنجم قانون محیط زیست (Code de l'environnement) درج گردید. البته باید توجه داشت، قانون‌گذار فرانسه به‌موجب قانون ۵ ژوئیه ۲۰۰۶ (LOI no 2006-786 du 5 juillet 2006 autorisant l'approbation d'accords internationaux sur la responsabilité civile dans le domaine de l'énergie nucléaire) اجازه تصویب برخی دیگر از توافقات بین‌المللی در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از انرژی هسته‌ای را نیز صادر کرده است. توضیح اینکه به‌موجب این قانون، پروتکل ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ که تغییراتی را در کنوانسیون پاریس ۱۹۶۰م و کنوانسیون تکمیلی آن مصوب ۱۹۶۳م ایجاد نموده، به تصویب قانون‌گذار فرانسه رسیده است. لیکن از آنجا که مقررات پروتکل ۲۰۰۴ هنوز لازم‌الاجرا نشده، اجرای آن در فرانسه نیز به لازم‌الاجرا شدن پروتکل یادشده وابسته است. گفتنی است که در قانون محیط زیست فرانسه در قسمت مربوط به مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای، دو دسته مقررات وجود دارد؛ مقررات مندرج در مواد L597-1 تا L597-25 که سه ماه پس از اجرایی شدن پروتکل الحاقی ۲۰۰۴م لازم‌الاجرا خواهد شد و مواد L597-26 تا L597-46 که به‌موجب ماده ۸ فرمان ۵ ژانویه ۲۰۱۲ (l'ordonnance n° 2012-6 du 5 janvier 2012)، سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن پروتکل الحاقی ۲۰۰۴م نسخ می‌شود. تفاوت این مقررات در اصلاحاتی است که به‌موجب پروتکل الحاقی پیش‌گفته در کنوانسیون پاریس رخ داده و بر قلمرو جبران خسارت افزوده است. درهرحال، امروزه قواعد مسئولیت مدنی ناشی از حوادث اتمی را باید در قانون محیط زیست فرانسه

جستجو نمود. با بررسی هر دو دسته مقررات مندرج در قانون محیط زیست، مشخص می‌شود که آنچه مربوط به مبنای مسئولیت است، تغییری نکرده و آنچه در خصوص کنوانسیون پاریس و اصلاحات آن گفته شده در حقوق فرانسه نیز جاری است. فقط نکته شایان توجه در خصوص مقررات لازم‌الاجرای فعلی و مقرراتی که با لازم‌الاجرا شدن پروتکل الحاقی در حقوق فرانسه اجرایی می‌شود، حکمی است که در ماده ۱۵-۵۹۷ تا ۱۵ قانون محیط زیست^۱ به چشم می‌خورد و حکم یادشده در مقررات مواد ۲۶-۵۹۷ تا ۴۶-۵۹۷ که اکنون در حال اجراست، تصریح نشده است. به موجب این ماده «اگر بهره‌برداری که مسئول خسارت هسته‌ای است اثبات نماید که خسارت مزبور کلاً یا جزئاً از بی‌مبالاتی شدید زیان‌دیده ناشی شده یا این که شخص مزبور با قصد ورود خسارت مبادرت به انجام کار یا ترک فعلی نموده است، بهره‌بردار مزبور به میزانی که بر اساس شدت تقصیر یا بی‌مبالاتی زیان‌دیده توسط دادگاه ارزیابی می‌گردد، از تعهد جبران خسارت شخص مزبور معاف می‌گردد». البته با وجود تصریح نشدن این مقرر در مقررات لازم‌الاجرای فعلی، برخی حقوق‌دانان فرانسه (Mazeauds, 1985, p. 610; v. Weill et) (Terré, 1980, p. 668) تقصیر عمدی زیان‌دیده را در کنار دیگر اقسام قوه قاهره مندرج در ماده ۹ کنوانسیون پاریس از مصادیق مسئولیت نداشتن بهره‌بردار دانسته‌اند. در هر حال، قانون‌گذار فرانسه با توجه به خطرهای قابل توجه فعالیت هسته‌ای، نظام مسئولیت مدنی هسته‌ای را مبتنی بر نظریه خطر نموده و از مبنای تقصیر فاصله گرفته است.

۲. حقوق ایران

مسئولیت مدنی در فقه امامی و حقوق ایران دارای مبانی متعددی است. در ادامه، مهم‌ترین مبانی‌ای که در مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای قابل استفاده است، بررسی می‌شود.

1. Article L597-15 Créé par Ordonnance n°2012-6 du 5 janvier 2012 - art. 3 :Si l'exploitant responsable d'un dommage nucléaire prouve que ce dommage résulte, en totalité ou en partie, d'une négligence grave de la personne qui l'a subi ou que cette personne a agi ou omis d'agir dans l'intention de causer un dommage, cet exploitant est exonéré, dans une mesure appréciée par le juge en fonction de la gravité de la faute ou de la négligence de cette personne, de l'obligation de réparer le dommage subi par cette personne.

الف) نظریه استناد عرفی

یکی از مبنای مسئولیت مدنی، نظریه استناد عرفی انجام فعل زیان بار به شخص مسئول است که بر اساس آن هر شخص پاسخگوی اعمالی است که به او نسبت داده می شود (باریکلو، ۱۳۹۲، ص ۵۴). قواعد مختلفی همچون قاعده اتلاف و نفی ضرر در فقه اسلامی به خوبی بیانگر پیروی از نظریه یادشده به عنوان مبنای مسئولیت مدنی است. بر اساس قاعده اتلاف، کسی که اتلاف مستند به اوست، مسئول به شمار می آید و در این میان استناد عرفی مهم است و تفاوتی میان اتلاف مستقیم و غیرمستقیم نیست. از این رو در فقه امامی (ر.ک. موسوی بجنوردی، ج ۲، ۱۴۱۹، ص ۳۱-۳۲؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ۱۴۱۱، ص ۲۰۵؛ نائینی، ج ۳، ۱۴۱۸، ص ۳۸۲؛ موسوی خمینی، ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۹۰؛ موسوی گلپایگانی، ج ۲، ۱۴۱۷، ص ۲۶۰-۲۵۹)، قاعده اتلاف، اتلاف مستقیم و اتلاف غیرمستقیم (تسبیب) را دربر می گیرد. لیکن قانون مدنی در ماده ۳۲۸ قانون مدنی از اتلاف مستقیم با عنوان اتلاف و در ماده ۳۳۱ قانون مدنی از اتلاف غیرمستقیم با عنوان تسبیب یاد کرده است. درهرحال، به موجب ماده ۳۲۸ قانون مدنی، «هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است». بنابراین شرط قابلیت استناد به این ماده، این است که مال متعلق به غیر از سوی دیگری به طور مستقیم تلف گردد یا آسیب ببیند. ولی در فرضی که در نظر عرف، اتلاف باواسطه بوده، موضوع، مشمول ماده ۳۳۱ قانون مدنی است. درهرحال، مسئولیت مبتنی بر اتلاف مستقیم و تسبیب، از مصادیق مسئولیت های عینی بوده و احراز رابطه سببیت میان فعل خواننده دعوی و ورود خسارت دارای اهمیت است. البته ممکن است ادعا شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲-۱۶۱؛ امامی، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۳۹۴-۳۹۳) که مسئولیت مبتنی بر تسبیب با مسئولیت مبتنی بر تقصیر یکسان است و وجود تقصیر، رکن تحقق مسئولیت است. لیکن در پاسخ باید گفت، تقصیر برای احراز استناد و رابطه سببیت، قابل استفاده است و نبود تقصیر باوجود رابطه سببیت مسئولیت را منتفی نمی کند. بنابراین همان گونه که گروهی از حقوق دانان (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۸۱؛ صفایی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۶۰؛ داراب پور، ۱۳۸۷، ص ۸۱؛ باریکلو، ۱۳۸۵، ص ۱۸۵) نیز بیان داشته اند، در تسبیب نیز صرفاً احراز رابطه سببیت لازم است. در خصوص خسارت های بدنی نیز قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش مباشرت و تسبیب را از موجبات ضمان دانسته است. به موجب این ماده «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود».

با توجه به مطالب پیش گفته، در حوادث هسته‌ای نیز هنگامی می‌توان از مسئولیت شخصی سخن گفت که خسارات از حادثه هسته‌ای مستند به فعل مستقیم یا غیرمستقیم شخص ناشی شود و در فرض دخالت سبب خارجی در تحقق حادثه، نمی‌توان از مبنای یادشده برای مسئول دانستن متصدیان تأسیسات هسته‌ای و دیگر اشخاص مرتبط بهره برد؛ چنان که به موجب ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است».

یکی دیگر از قواعد راهگشا برای اثبات نظریه قابلیت استناد عرفی در مقوله حوادث هسته‌ای، قاعده نفی ضرر است. بعضی حقوق دانان (باریکلو، ۱۳۹۲، ص ۵۵-۵۴) از برخی احادیث که در زمره مستندات فقهی قاعده نفی ضرر است، برای اثبات نظریه قابلیت استناد عرفی بهره برده‌اند. در این راستا از حدیث «من اضر بشیء من طریق المسلمین فهو له ضامن» این گونه استنباط شده که به موجب حدیث «هرکس به مسلمین ضرری وارد نماید مسئول و ضامن جبران آن است» و با توجه به اینکه ضرر رساندن مقید به تقصیر نشده و به گونه‌ای مطلق از اضرار سخن گفته شده است، می‌توان نتیجه گرفت که برای مسئول دانستن شخص، مهم استناد عرفی ضرر به وی می‌باشد (باریکلو، ۱۳۹۲، ص ۵۵-۵۴). البته ممکن است در استفاده از خود قاعده لاضرر در خصوص مسئولیت مدنی تردید شود. توضیح اینکه مفهوم قاعده لاضرر محل اختلاف فقیهان و به تبع آن حقوق دانان است. در این میان، نظر مشهور این است که قاعده یادشده احکام ضرری را نفی می‌نماید (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۶؛ نائینی، ج ۳، ۱۴۲۱، ص ۳۸۲؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۴۱۹، ص ۲۱۹-۲۱۸؛ مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۲۴۳). همچنین ادعا شده (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۵۵؛ موسوی بجنوردی، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ص ۳۲۰) که قاعده لاضرر صرفاً ناظر به نفی احکام وجودی است و اثبات حکم نمی‌کند. حال اگر بسان برخی (محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۱۶۱-۱۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۵-۱۵۴)، احکام عدمی را داخل در قلمرو قاعده لاضرر بدانیم، عدم ضمان و مسئولیت در

فرضی که شخص، حق دیگری را نقض نموده و به وی ضرر زده است، حکمی ضرری است که باید نفی شود. در نتیجه، نفی عدم ضمان، مساوی با ضمان و مسئولیت عامل زیان خواهد بود. با پذیرش این نظر می‌توان از قاعده لاضرر برای مسئول شناختن عاملان زیان‌های هسته‌ای بهره برد. البته برخی فقیهان (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴، صص ۱۳۴ به بعد) ضمن اینکه قسمت نخست حدیث (لاضرر) را نافی احکام ضرری دانسته‌اند، از قسمت دوم روایت (لاضرار)، تحریم اضرار و نیز تشریح وسایل اجرایی مناسب برای جلوگیری از زیان را قابل استنباط دانسته‌اند.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان از نظریه استناد عرفی به‌عنوان یکی از مبانی برای توجیه مسئولیت کلیه اشخاص دخیل در تحقق حادثه هسته‌ای بهره برد. بنابراین نظام حقوقی ایران از این نظر که تقصیر را برای مسئول شناختن عامل زیان شرط نمی‌داند، با کنوانسیون‌های بین‌المللی قرابت دارد. لیکن در فرضی که حادثه ناشی از اسباب خارجی است، با در نظر گرفتن مقررات موجود نمی‌توان از مسئولیت مدنی سخن گفت. البته با توجه به ماهیت ذاتاً خطرناک مواد رادیو اکتیو و تأسیسات هسته‌ای و زیان‌های بسیار شدید ناشی از آن، اشکالی ندارد که قانون‌گذار ایران نیز در فکر تضمین‌های مناسب برای زیان‌دیدگان این‌گونه حوادث بوده، مقررات متناسبی را وضع کند.

ب) تقصیر

یکی دیگر از مبانی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، مبنای تقصیر است. قانون‌گذار ایران در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ش از این مبنا پیروی نموده است. به‌موجب ماده ۱ این قانون، چنانچه شخصی بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به هرگونه حق قانونی شخص دیگر آسیب برساند، مسئول شمرده می‌شود. با این وصف، می‌توان به استناد این ماده، خسارت ناشی از حوادث هسته‌ای را در صورت انتساب به تقصیر شخص یا اشخاص معینی، مطالبه کرد. البته موکول کردن جبران خسارت‌های ناشی از حوادث هسته‌ای به تقصیر، ناظر به فرضی است که زیان‌دیده، قصد استفاده از مبنای تقصیر را دارد. بدیهی است چنانچه نتوان تقصیر عامل زیان را اثبات نمود، مسئولیت منتفی نیست. بلکه در صورت وجود شرایط، می‌توان از سایر مبانی استفاده کرد. البته لزوم استناد به تقصیر برای مسئولیت متصدیان

تأسیسات هسته‌ای و دیگر اشخاص مرتبط با صنایع هسته‌ای، امروزه با اقتضائات جهانی سازگار نیست.

نتیجه

با بررسی‌های انجام‌شده در این جستار، در خصوص مبنا و مسئول خسارات وارد بر اشخاص ثالث در اثر حوادث اتمی، باید گفت اسناد بین‌المللی و حقوق فرانسه از نظریه خطر پیروی کرده و اصل مسئولیت انحصاری بهره‌بردار تأسیسات هسته‌ای را پذیرفته‌اند. اقتضائات خسارات هسته‌ای موجب شده است که اسباب خارجی جز در موارد مصرح، معافیت از مسئولیت را به دنبال نداشته باشد. البته برای جمعی‌سازی مسئولیت، تکلیف بیمه یا تضمین مالی مناسب برای مسئولیت بهره‌بردار برعهده وی قرار گرفته است. برای کاستن از مسئولیت بهره‌بردار نیز برای اقامه دعوی علیه وی، مرور زمان و برای مسئولیت وی، سقف تعیین شده است. در حقوق ایران مقررات ویژه‌ای وجود ندارد و موضوع، تابع مقررات عام مسئولیت مدنی است. بنابراین مبنای مسئولیت، منحصر به مبنای خاصی نیست، بلکه می‌توان از مبانی قابلیت استناد عرفی و تقصیر برای توجیه مسئولیت مدنی اشخاص دخیل در حوادث هسته‌ای بهره برد. لیکن مبنای یادشده معافیت‌های ناشی از اسباب خارجی را محدود نمی‌کند. دیگر اینکه بر اساس این مبانی نمی‌توان از تمرکز و جهت‌دهی مسئولیت در بهره‌بردار سخن گفت، بلکه مهم شخصی است که خسارت‌ها منتسب به وی یا تقصیر اوست. این امر ممکن است در عمل زیان‌دیدگان احتمالی خسارات هسته‌ای را به جبران خسارت نرساند، زیرا در ایران، بهره‌برداری از تأسیسات دولتی در انحصار دولت است و دولت در قبال خسارات ناشی از تقصیر یا عمد کارمندان خود مسئول نیست. حتی اگر حوادث هسته‌ای ناشی از نقص تشکیلات هسته‌ای باشد، دولت بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئول خسارات وارد بر اشخاص در موارد اعمال حاکمیت نیست؛ امری که قابل انتقاد است. درهرحال، با توجه به دامنه گسترده خطرها و خسارت‌های احتمالی ناشی از حوادث هسته‌ای و مسئولیت دولت اسلامی در قبال جان و مال شهروندان، پیش‌بینی نظام حقوقی ویژه در زمینه مسئولیت مدنی مربوط به خسارت‌های پیش‌گفته ضروری است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. استوبیر، کارلتون، بائر، الک، پلزر، نوربرت و تونهوزر، ولفرام (۱۳۸۸)، حقوق هسته‌ای (ترجمه اصلی عباسی)، چ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰ق)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، چ ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. امامی، سید حسن (۱۳۷۴)، *حقوق مدنی*، ج ۱، چ ۱۵، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ق)، *رسائل فقهیه*، چ ۱، قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأنصاری.
۵. بادی، حسن، شعبانی کندسری، هادی، رادپور، سجاد (۱۳۹۱)، *مسؤولیت محض؛ مبانی و مصادیق*، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۳۶-۱۹.
۶. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، *مسؤولیت مدنی*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۷. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسؤولیت مدنی*، چ ۴، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۸. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *حقوق مدنی (۴)*، *مسؤولیت مدنی*، چ ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۹. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱)، *ضمان قهری، مسؤولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی*، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴ق)، *قاعده لا ضرر و لا ضرار*، قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
۱۱. حسینی مراغی، میرفتاح (۱۴۱۸ق)، *العناوین الفقهیه*، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۲. داراب پور، مهربان (۱۳۸۷)، *مسؤولیت‌های خارج از قرارداد*، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۲)، *اصول مسؤولیت مدنی*، با ترجمه مجید ادیب، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۴. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶)، *حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، چ ۲، تهران: نشر میزان.
۱۵. صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی (۱۳۹۲)، *مسؤولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ ۵، تهران: انتشارات سمت.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، *موجبات ضمان، درآمدی بر مسؤولیت مدنی و اسباب و آثار در فقه اسلامی*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۷. قبولی درافشان، سیدمحمد مهدی، رضادوست وحید (۱۳۹۱)، *نقش اسباب خارجی در مسؤولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی وسایل نقلیه موتوری زمینی با توجه به آخرین تحولات قانونی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)*، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۱۱۰-۹۳.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، چ ۱، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقه*، ج ۱، چ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۱. مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق)، *مائه قاعده فقهیه*، چ ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، چ ۳، قم: مدرسه الإمام أميرالمؤمنین (ع).
۲۳. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، چ ۱، قم: نشر الهدای.
۲۴. موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۲، چ ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
۲۵. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۷ق)، *هدایة العباد*، ج ۲، قم: دار القرآن الکریم.
۲۶. نائینی، محمد حسین (۱۴۲۱ق)، *منیة الطالب (تقریرات توسط شیخ موسی خوانساری)*، ج ۳، چ ۳، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. نراقی، ملا احمد (۱۴۱۷ق)، *عوائد الأيام*، چ ۱، بی جا: مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامی.

-قوانین و مقررات

۲۸. قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ش.
۲۹. آیین نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ هیئت وزیران.
۳۰. موافقت نامه بین آژانس بین المللی انرژی اتمی و دولت ایران و دولت ممالک متحده امریکا برای اجرای اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۴۸/۴/۱۹.

(ب) انگلیسی و فرانسوی

Books and Articles

31. Bénabent, Alain (1995), *Droit Civil, les obligations*, 5 éd., Parsi, Motcherestien.
32. Birnie, Patricia [et al.] (2009), *International Law and The Environment*, 3rd Edt., OUP.
33. Boulanenkoy, Vladimir (1999), *Main Features of the Convention on Supplementary Compensation for Nuclear Damage – an Overview*, in Reform of Civil Nuclear. Liability. International Symposium. Budapest, Hungary, Organised by the OECD Nuclear Energy Agency, pp. 160-170
34. Busekist, O. Von (2006), *A Bridge Between Two Conventions on Civil Liability for Nuclear Damage: The Joint Protocol Relating to the Application of the Vienna Convention and Paris Convention*, Nuclear Law Bulletin, No. 43, pp. 129-153
35. Dow, James C (1989), *Nuclear Energy and Insurance*, 1st edn, London, Witherby & Co Ltd.
36. Fiore, Karine (2008), *'The Nuclear Limit on the OECD Conventions: an Implicit Subsidy'*, Maastricht University.

37. Harpwood, Vivienne (2009), *Modern Tort Law*, Routledge- Cavendish, seventh edition.
38. Mazeauds, Henri, Léon et Jean (1985), *Leçons de Droit Civil*, T.II, 1er Vol, 7 éd. Paris, Motcherestien.
39. OCDE (2011), *Législation nucléaire des pays de l'OCDE et de l'AEN*, <<https://www.oecd-nea.org/law/legislation/fr/france.pdf>>2015/7/19.
40. Ollier, Pierre D. (1983), *Liability for Damage Caused by Things; Nuclear Energy*, in: Encyclopedia of comparative law, by Andre Tunc, Volume XI: Torts, Part I, The Hague-Boston, London: Tubingen and Martinus Nijhof Publisher.
41. Pelzer, Norbert (1999), *Focus on the Future of Nuclear Liability Law*, 17 (4) Journal of Energy & Natural Resources Law, pp. 332-353.
42. Radetzki, Marcus (1999), 'Limitation of Third Party Nuclear Liability', Nuclear Law Bulletin No. 63, pp.7-24.
43. Sands, Philippe (1988), *Chernobil: Law and Communication*, Gomer Press.
44. Schwartz, Julia A. (2010), *Liability and Compensation for Third Party Damage resulting from a Nuclear Incident, International Nuclear Law: History, Evolution and Outlook*, NEA No. 6934, OECD.
45. Stoiber, Carlton [et al.] (2003), *Handbook on Nuclear Law*, Vienna: International Atomic Energy Agency, Chapter11, Nuclear Liability and Coverage.
46. Tromans, Stephen (2010), *Nuclear Law: The Law Applying to Nuclear Installations and Radioactive Substances in its Historic Context*, Second Edition, Hart Publishing.
47. Vanda, Lamm (2002), *The International Law of Peaceful Uses of Nuclear Energy*, OECD Nuclear Energy Agency.
48. Weill, Alex et Terré, François (1980), *Droit Civil, les obligations*, 3° éd., Paris, Dalloz.
- Laws and Documents**
49. Code de l'environnement (France).
50. Code Civil (France).
51. Loi n° 68-943 du 30 octobre 1968 relative à la responsabilité civile dans le domaine de l'énergie nucléaire.
52. Loi n° 2006-786 du 5 juillet 2006 autorisant l'approbation d'accords internationaux sur la responsabilité civile dans le domaine de l'énergie nucléaire
53. Ordonnance n°2012-6 du 5 janvier 2012

ج) سایتها

54. http://www.iaea.org/Publications/Documents/Conventions/jointprot_statu

s.pdf>.2015/7/19.
55.http://www.iaea.org/Publications/Documents/Conventions/supcomp_stat
us.pdf>.2015/7/19.